

زندگی صحنه یکتای هنرمندی ماست هر کسی نغمه خود خواند و از صحنه رود
صحنه پیوسته به جاست خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد

سلام؛ سلام بر دانشجویان جدیدالوورد! و میهمانان ارجمند.

بالاخره آمدید؟ خوش آمدید! صفا آوردید! خدا کنه همیشه، مثل حالا، شاد و خوش و سلامت باشید. فقط یک چیز را یادتان نرود:
(همه با هم)

“بسم‌الله الرحمن الرحيم”

راستی چطور شد که از بین آن همه داوطلب شما آمدید؟ بله. یاری خداوند، زحمت پدر و مادر، تلاش معلم‌ها، پشتکار خودتان، ... و همه و همه کنار هم جمع شدند تا به این نعمت بزرگ برسید. و “بر هر نعمتی شکری است واجب” پس همه با هم...

“الحمدالله رب العالمين”

حالا آمده‌اید که چه؟ درس بخوانید؟ خب بخوانید! خوب هم بخوانید. اطمینان داشته باشید اگر شما کار خودتان را درست انجام بدهید، لطف و مهربانی او حد و مرز ندارد. پس همه با هم:

“الرحمن الرحيم”

می‌دانید که کجا آمدید؟ بله، دانشگاه آمدید! اونم از نوع شریفش!! دانشگاه شما واقعاً شریفه! بی‌خود نیست بسیاری از مسئولین کشور، وزرا، معاونین‌شان، رؤسای دانشگاه‌ها و نمایندگان مجلس نیز تمایل دارند فرزندان‌شان در این دانشگاه تحصیل کنند. قدیم‌ترها، یادم می‌آید هنگامی که ما جوان‌تر بودیم، وقتی می‌گفتند فلانی انسان شریفی است؛ در ذهن این‌طور تداعی می‌کرد که ایشان: مذهبی، امین، خداترس و عادل است، حرام خوار نیست، قابل اعتماد، درستکاره، راستگوست، و به تعبیر امروزی‌ها: حزب‌اللهی، و ارزشیه. الحمدا... شریفی‌ها، همان‌طور که از لقب‌شان پیداست، همگی انسان‌هایی شریف، با ارزش و ارزشی‌اند. راستی این را هم می‌دانید که هزینه‌های این دانشگاه یعنی خرج تحصیل شما از بیت‌المال تأمین می‌شود. بیت‌المال هم از مالیات‌های آن کشاورز و آن کارگر و آن کارمند و منابع زیرزمینی و ... که متعلق به همه ملت است. فقط حواستان جمع باشد که فردا روزی، جواب این همه آدم را دادن آنقدرها هم ساده نیست! پس همه با هم:

“مالک يوم الدين”

میدانم که با سختی آمدید؟ بعد از اینش هم سخت است! چه درس‌ها که باید بخوانید، چه کارها که باید بکنید، چه شب‌ها که باید بیدار بمانید! دانشجویان شهرستانی چه دوری‌هایی که باید تحمل کنید! اما خیالی نیست دوستان من. آن‌که این راه رو به شما نشان داده، خودش هم کمک می‌کند. پس همه با هم:

“ایاک نعبد و ایاک نستعین”

می‌دانم که برای خدمت آمده‌اید. دمتان گرم! همین که از حالا به فکر مردم و مشکلاتشان هستید، فردا هم می‌توانید به درد جامعه برسید. راه درستی را انتخاب کرده‌اید. پس همه با هم:

“اهدنا الصراط المستقیم”

راهی که انتخاب کرده‌اید، انشاء... هم برای شما و هم برای ملت بزرگ ایران همراه با نعمت خواهد بود، خداوند هم کمک می‌کند. پس هم با هم:

“صراط‌الذین انعمت علیهم”

حالا که آمدید، باز هم خوش آمدید. صفا آوردید. ما شریفی‌ها، اساتید و کارکنان، همه با هم آرزومندیم که همیشه مثل حالا خوش و خندان باشید. امیدوارم که در این مسیر و راهی که انتخاب کرده‌ایم، کاری نکنیم که مورد غضب و خشم خداوند قرار بگیریم. و از ایشان می‌خواهیم که یاری‌مان کند تا گمراه نشویم. بنابراین برای آخرین بار همه با هم:

“غیر المغضوب علیهم ولا الظالین”

در پایان دوست دارم چند نکته مهم دیگر را نیز متذکر شوم:

اول: نحوه ارتباط دانشجو با استاد

از حضرت علی (ع) نقل شده که فرموده‌اند: کسی که حرفی را به من بیاموزد مرا عبد خود ساخته است، این روایت بیانگر آن است که مقام و مرتبه استاد و عالمی که دیگران از دانش او بهره‌مند می‌شوند، به قدری است که کتاب‌ها گنجایش بیان آن را ندارند. البته عالم و استاد کسی است که گذشته از آن که خود شناخت دارد و به دانش خود عمل می‌کند، به زمان نیز آگاه بوده و همواره می‌کوشد با تعلیمات خود مانع گمراهی دیگران شود. بی‌شک تکریم استاد قدری از احترام‌های عادی برتر است، زیرا دانشجو نورانیت درون، پرورش روح و کسب علمش را مدیون او می‌داند. به‌طوری‌که شاعر می‌فرماید:

مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد ببر

سعی ناکرده در این راه به جایی نرسی

بنابراین سپاسگزاری و حق‌شناسی از استاد، تحمل جور و تندی‌های او، آراستن و پیراستن برون و آمادگی درون به هنگام ورود استاد از حداقل آدابی است که بر عهده دانشجوست.

دوم: نحوه ارتباط دانشجو با هم‌کلاسی‌ها و دوستان

همان‌طور که می‌دانید دوست در ساختار فکری و پیشرفت علمی انسان نقش به سزایی دارد. تا آنجا که یک دوست می‌تواند سرنوشت انسان را به کلی تغییر دهد و خواسته‌های خود را به او تحمیل کند. بنابراین باید دوستانی را انتخاب کرد که کوشا، روشنگر، کم حرف و از همه مهمتر مؤمن و صالح باشند تا به خاطر او ارزش‌های اخلاقی خود را گم نکنیم.

توصیه آن است که اگر دانشجو نتوانست دوست و رفیق صمیمی برای خود پیدا کند، بهتر است تنهایی و غریب‌وار زندگی کردن را بر دوست و همدم نامناسب ترجیح دهد. به‌طوری‌که شاعر می‌فرماید:

یار بُد بدتر بود از مار بُد	تا توانی می‌گریز از یار بُد
مار بُد تنها همی بر جان زند	یار بُد بر جان و بر ایمان زند

سوم: جدی گرفتن برنامه‌های آموزشی در دانشگاه

عزیزان من:

بسیاری از شما ظرف امروز و فردا با خانواده خود خداحافظی می‌کنید و به جمع خوابگاه‌ها می‌پیوندید. برای اولین بار مستقل زندگی کردن را تجربه می‌کنید و باید روی پای خود بایستید. اگر بخواهید بخوابید و صبح سر کلاس حاضر نشوید، کسی به شما نمی‌گوید که بیدار شو! هیچ‌کس از شما نمی‌پرسد که آیا تکالیف خود را انجام داده‌ای؟ اگر بیمار شوید، در درجه اول خود باید به درمانگاه مراجعه کنید. قسمتی از یادگیری در زندگی دانشگاهی انتخاب و قبول همین مسئولیت‌هاست. مواظب باشید که از هدف و مسیری که سال‌ها برای آن زحمت کشیده‌اید منحرف نشوید. به عنوان افرادی بالغ شما باید مسئول اعمال خود باشید. اطمینان دارم خانواده‌های محترم و مربیان عزیز شما را برای چنین روزی آماده کرده‌اند. بسیاری از آنها زندگی خود را قربانی کرده‌اند تا به تحصیل ما صدمه‌ای وارد نشود، و به بهترین دانشگاه صنعتی کشور وارد شوید. در دانشگاه نیز مسئولانه زحمات و از خود گذشتگی آنها را ارج نهید، همانطور که در دوران تحصیلات متوسطه عمل کرده‌اید. بار دیگر به شریف خوش آمدید، انشاءاله چهار سال دیگر در همین سالن شاهد مراسم فارغ‌التحصیلی همه شما عزیزان باشیم.

موفق و پیروز باشید. والسلام

علی مقداری

۲۸ شهریور ۱۳۸۹